

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۹ - یکشنبه ۹۱/۹/۲۶

#### فرمایش شهید صدر علیه السلام در تخییر عقلی

چنانکه در بعضی از تقریرات این بزرگوار ذکر شده است، ایشان دو بیان اختصاصی در این مسئله دارند.

#### بیان اول شهید صدر در عدم جریان برائت عقلی و شرعی

در دو طرف محذورین نه برائت عقلی جاری است و نه برائت شرعی؛ از آنجا که شهید صدر قائل به مسلک حق الطاعة هستند اساساً قبح عقاب بلا بیان را قبول ندارند لذا برائت عقلی را علی المبنی نمی‌پذیرند. همچنین معتقدند عند دوران امر بین المحذورین برائت شرعی در طرفین جاری نیست.

#### توضیح ذلک<sup>۱</sup>: شهید صدر در موارد متعددی این مطلب را بیان فرموده‌اند که مولا یک سلسله احکام

ترخیصی دارد که غرض از تشریح آنها آزاد بودن افراد می‌باشد و نیز اغراضی در احکام الزامیه دارد لذا حکم به وجوب و حرمت می‌دهد. اگر این اغراض واضح باشند و مکلف به آنها علم داشته باشد مشکلی پدید نخواهد آمد، اما گاهی موارد ترخیص با موارد الزام اشتباه می‌شود و مکلف نمی‌داند که مثلاً دعاء عند رؤیة الهلال واجب است و دارای غرض الزامی است یا از موارد ترخیص محسوب می‌شود، شارع در این موارد ممکن است اغراض ترخیصیه را مقدم بدارد و ممکن است اغراض الزامیه را مقدم کند. اگر در جایی

---

۱. شهید صدر علیه السلام، بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۱۵۶: «المنع عن شمول أدلة البراءة الشرعية للمقام بنکته إنباتیه، لأن المنساق منها خصوصاً مثل أصالة الحل انها علاج مولوی لحالات التزاحم بین الأغراض الإلزامیه و الترخیصیه فی مقام الحفظ بتقدیم الغرض الترخیصی علی الإلزامی لا علاج التزاحم بین غرضین إلزامین کما فی المقام».

ادله‌ی براءت جریان داشت معنایش تقدیم جانب ترخیص و تحفظ بر ملاک‌های ترخیصیه است و اگر در موردی شارع حکم به احتیاط کند معنایش آن است که شارع تحفظ بر ملاک الزامی حرمت کرده است.

با دانستن این مطلب اگر سراغ ادله‌ی براءت برویم خصوصاً حدیث حلیت (کُلْ شَیْءٌ فِیهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَکَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بَعِیْنَهُ) می‌بینیم منساق از ادله آن است که ادله‌ی براءت علاج مولوی نسبت به حالت تزامم بین اغراض ترخیصیه و اغراض الزامیه است؛ یعنی اینکه هرگاه بین دو غرض ترخیصی و الزامی مولا اشتباه به وجود آید شارع با ادله‌ی براءت در صدد تحفظ بر اغراض و ملاکات ترخیصیه می‌باشد، ولی به درگیری میان اغراض تحریمیه و وجوبیه یعنی اشتباه بین دو غرض الزامی کاری ندارد و ادله‌ی براءت ربطی به اشتباه میان وجوب و حرمت ندارد. ادله‌ی براءت به حسب دلالت برای تحفظ بر ملاکات عند دوران امر بین حفظ ملاکات ترخیصیه و الزامیه می‌باشد اما در جایی که امر دائر بین تحفظ بر ملاک وجوب یا حرمت است ادله‌ی براءت سخنی در آن ندارد.

**خلاصه آنکه:** اکنون که اصول عملیه برای ترجیح بعضی از اغراض بر بعضی دیگر عند التزامم است ما از ادله استنباط می‌کنیم که هنگام اشتباه اغراض ترخیصیه و الزامیه، مرجع ما براءت است اما هنگام اشتباه دو غرض الزامی مانند وجوب و حرمت، ادله‌ی براءت در آنجا نظارت و عنایتی ندارد. بنابراین ادله‌ی براءت ربطی به دوران امر بین محذورین نخواهد داشت.

**این قلت:** اگر در اشتباه بین وجوب و ترخیص، شارع جانب ترخیص را مقدم می‌دارد به طریق اولی در اشتباه بین وجوب و حرمت، غرض ترخیص را حفظ خواهد کرد؛ زیرا وقتی امر دائر شد بین اینکه شارع غرض الزامی دارد یا ترخیصی، شارع جانب ترخیص را مقدم می‌دارد پس در جایی که احتمال داده می‌شود الزام در ایجاب یا در نفی باشد به طریق اولی شارع باید جانب آزادی و ترخیص را اختیار کند؛ چون ترخیص برآیند دو احتمال است.

**قلت:** با توجه به مبنای پذیرفته شده‌ی ما که اصول عملیه را برای تحفظ بر ملاکات ترخیصیه یا الزامیه دانستیم، آنچه که منساق از ادله‌ی براءت است آن است که در هنگام تزامم بین تحفظ بر ملاکات ترخیصیه و الزامیه، ملاکات ترخیصیه مقدم است اما هنگام تزامم بین دو ملاک الزامی این ادله ساکت است و چه بسا شارع بخواهد غرض وجوب را مقدم کند و یا غرض حرمت را مقدم بدارد. در هر حال نمی‌توان از ادله‌ی براءت استفاده کرد که در دوران بین محذورین الزامی، دو غرض با یکدیگر اندکاک پیدا می‌کنند و نتیجه‌ی

آن ترخیص می‌شود.<sup>۱</sup>

### نقد و بررسی بیان اوّل شهید صدر علیه السلام

اگر این سخن را در مورد حدیث حلیت بپذیریم اما در ادله‌ای مانند «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» یا «مَا حَجَبَ اللَّهُ عِلْمَهُ عَنِ الْعِبَادِ» و «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ» نمی‌پذیریم که منساق از ادله این باشد که برای حفظ اغراض ترخیصیه در مقابل اغراض الزامیه هستند، بلکه تابع دلیل خواهیم بود. دلیل بیان می‌کند هرگاه شک کردید و ندانستید (ما لا یعلمون) حکم برداشته می‌شود؛ چه جایگزین آن تحریم باشد چه ترخیص، لذا اگر وجوب به تنهایی نگاه شود ما لا یعلم و محجوب العلم و غیر مبین است پس مشمول براءت می‌شود، کما این که اگر حرمت به تنهایی در نظر گرفته شود ما لا یعلم و محجوب العلم و غیر مبین است پس برداشته می‌شود، و ایشان نیز قبول دارند که هر کدام از این احکام به تنهایی می‌تواند برداشته شود.

بنابراین اطلاق ادله‌ی براءت رافع احتمال هر یک از وجوب و حرمت است.

### بیان دوم شهید صدر علیه السلام در عدم اجرای براءت شرعی در دوران امر بین محذورین

اصل این بیان از محقق نائینی است، چنانکه شهید صدر نیز خود بدان اشاره کرده است و برای اختصار، اصل فرمایش مرحوم نائینی را جداگانه نقل نکردیم و در ضمن فرمایش شهید صدر بیان خواهد شد.

شهید صدر معتقدند ادله‌ی براءت نمی‌تواند طرفین محذورین را دفع کند.<sup>۲</sup>

اما دلیل حلیت از آنجا که قطع به عدم آن وجود دارد جاری نیست؛ زیرا دلیل حلیت در دوران امر بین حلیت و حرمت، حکم به حلیت می‌کند در حالی که ما نحن فیه قطعاً حلیتی وجود ندارد.

اما مثل «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» شامل ما نحن فیه نمی‌شود؛ زیرا «ما» در ما لا یعلمون گرچه موصول و عام است اما به قرائن می‌توان مقصود از موصول را فهمید. در ما لا یعلمون دو احتمال وجود دارد:

۱- مراد از ما لا یعلمون عنوان وجوب و حرمت باشد، کما روایت فرموده است: «رُفِعَ الْوَجُوبُ الَّذِي

لَا يَعْلَمُ» یا «رَفَعَتِ الْحَرَمَةَ الَّتِي لَا تَعْلَمُ»؛

---

۱. بحوث فی علم الاصول، ص ۱۵۷: «علی ضوء فهنا لحقيقة الحكم الظاهري يكون معنى جعل البراءة ترجيح مصالح الترخيص الواقعي على كل من مصالح الوجوب والحرمة في مقام الحفظ وهذا لا يعنى الا أهمية المصالح الترخيضية على الإلزامية الوجوبية والتحريرية و هو لا يستلزم اندكاك المصلحتين الإلزاميتين في مقام الحفظ فقد يرجح المولى جانب الوجوب أو جانب الحرمة في مقام الحفظ فلا أولوية».

۲. همان.

۲- احتمال دیگر آن است که مراد از «ما» واقع حکم مشکوک باشد نه وجود عنوانی حکم؛ یعنی چیزی که مشکوک است، که ممکن است وجوب دعاء عند رؤیة الهلال باشد یا حرمت شرب تثن یا ... باشد، رفع می‌شود. در حقیقت چیزی که در واقع است و مکلف نمی‌داند، توسط حدیث رفع برداشته می‌شود.

شهید صدر احتمال دوم را به دو دلیل اظهر می‌داند:

یکی آنکه روایت بیان می‌کند آنچه را که نمی‌دانید (ما لایعلمون)؛ یعنی علم و عدم علم را به «ما» نسبت می‌دهد و علم ظهور در انکشاف مطابق واقع دارد و شامل جهل مرکب نمی‌شود به خلاف قطع که می‌تواند جهل مرکب باشد. حتی اگر علم، حقیقت در علم مطابق واقع نباشد حداقل انصراف به علم مطابق با واقع دارد. در ما نحن فیه که بیان می‌کند آنچه را نمی‌دانید برداشته می‌شود، یعنی آنچه فی الواقع وجود دارد و نمی‌دانید برداشته می‌شود.

قرینه و دلیل دیگر، سیاق حدیث رفع است که بیان می‌کند آنچه هست و نمی‌دانید برداشته می‌شود و اِلّا برداشتن چیزی که نیست معنا ندارد. بنابراین مراد از «ما» یعنی آنچه واقعاً وجود دارد که ظاهراً برداشته می‌شود.

در دوران امر بین محذورین، «رفع ما لایعلمون» قدرت شمول ندارد؛ زیرا ما لایعلمون در دوران امر بین محذورین، یا وجوب است یا حرمت و قطعاً یک چیز است. اکنون با استفاده از کلام مرحوم نائینی که می‌فرماید رفع ظاهری در جایی ممکن است که وضع ظاهری ممکن باشد و وضع ظاهری در جایی ممکن است که احتیاط امکان داشته باشد، این استدلال را متمیم می‌کنیم بدین شکل که:

رفع ظاهری در جایی است که امکان ایجاب احتیاط وجود داشته باشد ولی در دوران بین محذورین ایجاب احتیاط امکان ندارد بنابراین وضع ظاهری در اینجا امکان ندارد و فرض آن است که تنها یک رفع وجود دارد، در نتیجه باید گفت حدیث رفع شامل هر دو طرف در دوران امر بین محذورین نخواهد شد؛ چون یک رفع بیشتر متصور نیست.

### خلاصه‌ی بیان دوم شهید صدر

به تعبیر دیگر، شهید صدر دو مقدمه را مفروضاً عنهما قرار می‌دهد:

۱- «ما» در ما لایعلمون اشاره به واقع حکم مشکوک است نه عنوان حکم مشکوک (یعنی حکمی که به جعل شایع صنایع موجود می‌باشد و مجهول است، ظاهراً برداشته می‌شود)

۲- رفع ظاهری در جایی وجود دارد که وضع ظاهری ممکن باشد. اگر در جایی مانند دوران امر بین

محدورین، احتیاط ممکن نباشد رفع نیز ممکن نیست.

پس نمی‌توان با حدیث رفع، حکم دو طرف را برداشت؛ زیرا فرض آن است که تنها یک رفع وجود دارد و این رفع نمی‌تواند اختصاص به یک طرف پیدا کند؛ چون ترجیح بلا مرجح است.

مقرر: سید حامد طاهری